



گشایش اقتصادی بدون اقتصاد مقاومتی به مصرف‌گرایی منجر می‌شود

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی با بیان اینکه اقتصاد مقاومتی فقط مربوط به دوران تحریم نیست، گفت: اقتصاد مقاومتی در دوران گشایش اهمیت آن بیشتر می‌شود؛ زیرا در این دوره خطر اصلی این است که منابع جدید به جای سرمایه‌گذاری مولد، صرف مصرف یا واردات کالاهای غیرضروری شود.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی با بیان اینکه اقتصاد مقاومتی فقط مربوط به دوران تحریم نیست، گفت: اقتصاد مقاومتی در دوران گشایش اهمیت آن بیشتر می‌شود؛ زیرا در این دوره خطر اصلی این است که منابع جدید به جای سرمایه‌گذاری مولد، صرف مصرف یا واردات کالاها غیرضروری شود.

در روزهای اخیر، همزمان با افزایش گمانه زنی‌ها درباره روند مذاکرات و احتمال دستیابی به توافق میان ایران و برخی طرف‌های بین‌المللی، فضای اقتصادی کشور بار دیگر وارد مرحله‌ای از نوسانات انتظاری شده است. کاهش نسبی قیمت ارز و طلا در بازار داخلی، نشان‌دهنده حساسیت بالای اقتصاد ایران نسبت به متغیرهای سیاسی و بین‌المللی است؛ حساسیتی که در سال‌های گذشته نیز بارها تکرار شده و همواره بازارها را درگیر چرخه‌ای از خوش‌بینی و بدبینی کرده است.

این وضعیت در حالی ادامه دارد که اقتصاد ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری از جمله تورم مزمن، نوسانات ارزی، کاهش سرمایه‌گذاری مولد، محدودیت‌های تجارت خارجی و ضعف در بهره‌وری بخش تولید مواجه است. در چنین شرایطی، برخی تحلیلگران معتقدند که حتی در صورت تحقق توافق، نباید انتظار داشت مشکلات بنیادین اقتصاد کشور به سرعت حل شود؛ بلکه آنچه اهمیت دارد، نحوه استفاده از فرصت‌های احتمالی پس از توافق است.

در واقع مسئله اصلی نه صرفاً «توافق یا عدم توافق»، بلکه «نوع حکمرانی اقتصادی پس از توافق» است. آیا منابع احتمالی جدید در مسیر تقویت تولید، توسعه صادرات و اصلاح ساختارها قرار خواهد گرفت یا مانند دوره‌های گذشته به سمت واردات، مصرف و پروژه‌های غیرمولد سوق داده خواهد شد؟

حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد محقق‌نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، در گفت‌وگو با ایکن، با نگاهی کاملاً ساختاری به اقتصاد ایران تأکید می‌کند که مشکل اصلی کشور، ضعف در بنیان تولید و بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری اقتصادی است. از نظر او، اقتصاد ایران باید از حالت «واکنش به اخبار سیاسی» خارج شده و بر پایه یک نظام تولیدمحور، صادرات‌گرا و مقاوم در برابر شوک‌های بیرونی بازسازی شود.

وی معتقد است حتی اگر توافقی حاصل شود و منابع ارزی کشور افزایش یابد، بدون اصلاح سیاست‌های کلان در حوزه تولید، نظام بانکی، سیاست ارزی و نظام یارانه‌ای، امکان دستیابی به رشد پایدار اقتصادی وجود نخواهد داشت.

به گفته وی، گشایش‌های خارجی تنها زمانی مفید خواهند بود که در خدمت تقویت زیرساخت‌های داخلی قرار گیرند.

مشروح این گفت‌وگو به شرح ذیل است

ایکنا - با توجه به کاهش قیمت ارز و طلا در پی اخبار مربوط به مذاکرات و تفاهم ایران و آمریکا، اگر توافقی حاصل شود چه اقداماتی برای تثبیت بازار ارز و جلوگیری از بازگشت نوسانات ضروری است؟

اگر بخواهیم واقع‌بینانه به مسئله نگاه کنیم، نخستین نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که اقتصاد ایران نباید به اخبار سیاسی و فضای مذاکراتی گره بخورد. در اقتصادهای باثبات، متغیرهای بنیادین مانند تولید، بهره‌وری، سرمایه‌گذاری، صادرات و سیاست‌های پولی و مالی نقش اصلی را در تعیین مسیر اقتصاد دارند اما در اقتصادهایی که هنوز با چالش‌های ساختاری مواجه هستند، انتظارات و اخبار نقش بسیار پررنگ‌تری پیدا می‌کنند و همین مسئله باعث نوسانات شدید در بازارهایی مانند ارز و طلا می‌شود.

در ایران نیز متأسفانه طی سال‌های گذشته شاهد این بوده‌ایم که هر خبر مثبت یا منفی درباره روابط خارجی، بلافاصله در بازار ارز و طلا منعکس شده است. این موضوع نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از اقتصاد ما هنوز به یک ثبات نهادی و ساختاری نرسیده و به شدت تحت تأثیر فضای روانی قرار دارد اما سؤال اصلی این است که ریشه این حساسیت کجاست؟

به باور من، ریشه اصلی در ضعف تولید داخلی و وابستگی ساختاری به واردات است. زمانی که تولید داخلی ضعیف باشد، کشور ناچار است بخش مهمی از نیازهای خود را از طریق واردات تأمین کند. واردات نیز نیازمند ارز است و به همین دلیل، هرگونه افزایش در تقاضای وارداتی به طور مستقیم بر بازار ارز فشار وارد می کند. این یعنی نوسان نرخ ارز در ایران صرفاً یک مسئله مالی یا پولی نیست، بلکه ریشه در ساختار واقعی اقتصاد دارد.

در چنین شرایطی اگر بخواهیم ثبات ارزی ایجاد کنیم، باید به سراغ تقویت تولید برویم. تولید قوی به معنای کاهش وابستگی به واردات و در نتیجه کاهش فشار بر بازار ارز است اما اگر تولید تضعیف شود، حتی در شرایطی که درآمدهای ارزی کشور بالا باشد، باز هم امکان ایجاد ثبات پایدار وجود نخواهد داشت؛ زیرا ساختار مصرف ارز همچنان وابسته و غیرمولد باقی می ماند.

نکته مهم دیگر این است که برخی سیاست ها در سال های گذشته ناخواسته به تضعیف تولید منجر شده اند. برای مثال، افزایش هزینه انرژی بدون در نظر گرفتن ظرفیت رقابتی تولیدکنندگان، تغییرات ناگهانی در سیاست های گمرکی یا عدم ثبات در قوانین مالیاتی و حمایتی، همگی باعث افزایش هزینه تولید شده اند. این افزایش هزینه به طور مستقیم در قیمت تمام شده کالاها اثر می گذارد و قدرت رقابتی تولیدکننده داخلی را کاهش می دهد.

در چنین شرایطی، تولیدکننده داخلی در رقابت با کالاهای خارجی دچار مشکل می شود و همین مسئله وابستگی به واردات را افزایش می دهد. در نتیجه یک چرخه معیوب شکل می گیرد: ضعف تولید ← افزایش واردات ← افزایش تقاضای ارز ← افزایش نرخ ارز ← افزایش تورم ← کاهش رفاه عمومی.

بنابراین اگر هدف ما تثبیت بازار ارز است، باید این چرخه را از ریشه اصلاح کنیم. صرفاً تزریق ارز یا کنترل مقطعی بازار نمی تواند راه حل پایدار باشد. راه حل پایدار در اصلاح ساختار تولید، حمایت هدفمند از بخش مولد، و ایجاد ثبات در سیاست های اقتصادی است.

ایکنا - برخی کارشناسان معتقدند در صورت بهبود شرایط سیاسی می توان سیاست هایی مانند ارز ترجیحی را حذف کرد. آیا این اقدام بدون آسیب به تولید ممکن است؟

موضوع ارز ترجیحی یکی از حساس ترین مباحث اقتصادی کشور است و نمی توان آن را به صورت ساده و یک بعدی تحلیل کرد. در واقع هرگونه تصمیم در این حوزه باید در قالب یک بسته جامع سیاستی دیده شود، نه به صورت یک اقدام منفرد.

برای درک بهتر مسئله، باید اثر تغییرات ارزی بر تولید را به صورت واقعی بررسی کنیم. فرض کنید یک واحد تولیدی برای تأمین مواد اولیه خود به یک میلیون دلار ارز نیاز دارد. اگر نرخ ارز ۱۰۰ هزار تومان باشد، هزینه تأمین این مواد اولیه حدود ۱۰۰ میلیارد تومان خواهد بود. اما اگر نرخ ارز به ۱۸۰ هزار تومان افزایش یابد، همان مقدار مواد اولیه ۱۸۰ میلیارد تومان هزینه خواهد داشت.

در اینجا سؤال اساسی این است: آیا درآمد تولیدکننده در همین بازه زمانی به اندازه ۸۰ میلیارد تومان افزایش یافته است؟ در اغلب موارد پاسخ منفی است. یعنی تولیدکننده با یک شکاف جدی بین هزینه و درآمد مواجه می شود. این شکاف اگر جبران نشود، پیامدهای مشخصی دارد: کاهش تولید، کاهش اشتغال، افزایش قیمت ها و در نهایت فشار بیشتر بر مصرف کننده.

بنابراین حذف حمایت هایی مانند ارز ترجیحی، بدون طراحی ابزارهای جایگزین، می تواند آسیب جدی به بخش تولید وارد کند. اما این به معنای نفی اصلاحات نیست. مسئله اصلی «نحوه اصلاح» است، نه اصل اصلاح.

اگر دولت قصد اصلاح نظام ارزی یا حذف ارز ترجیحی را دارد، باید همزمان بسته های حمایتی مکمل را فعال کند. این بسته ها می تواند شامل موارد زیر باشد:

۱. تأمین سرمایه در گردش تولیدکنندگان از طریق تسهیلات بانکی هدفمند

۲. ایجاد خطوط اعتباری ویژه برای صنایع حیاتی

۳. حمایت از نوسازی ماشین آلات و ارتقای فناوری

۴. کاهش هزینه های انرژی برای صنایع تولیدی به صورت هدفمند

۵. اصلاح نظام مالیاتی به نفع تولید

۶. تسهیل واردات مواد اولیه و تجهیزات تولید

در واقع، اقتصاد یک سیستم به هم پیوسته است. نمی توان یک بخش را بدون در نظر گرفتن اثر آن بر سایر بخش ها تغییر داد. به

همین دلیل، هرگونه اصلاح اقتصادی باید با نگاه سیستمی انجام شود.

نکته مهم دیگر مسئله ثبات است. تولیدکننده بیش از هر چیز به ثبات نیاز دارد. حتی اگر نرخ ارز بالا باشد، اما ثابت بماند، تولیدکننده می تواند برنامه ریزی کند. اما زمانی که نرخ ارز دچار نوسانات شدید می شود، امکان برنامه ریزی از بین می رود و سرمایه گذاری کاهش پیدا می کند.

ایکنا - در صورت تحقق توافق، چگونه می توان از خوش بینی افراطی و وابستگی اقتصاد به نتایج مذاکرات جلوگیری کرد؟

یکی از مهم ترین موضوعات در اقتصاد ایران، مدیریت انتظارات است. انتظارات نقش بسیار مهمی در رفتار اقتصادی مردم و فعالان بازار دارد. زمانی که مردم انتظار افزایش قیمت ها را دارند، حتی اگر نیاز فوری نداشته باشند، اقدام به خرید زود هنگام می کنند. این رفتار باعث افزایش تقاضای غیرواقعی و تشدید نوسانات می شود.

در شرایط فعلی، بخشی از تقاضا در بازار ناشی از همین انتظارات تورمی است. بنابراین اگر فضای سیاسی به سمت کاهش تنش حرکت کند، این انتظارات تعدیل می شود و بازار به سمت آرامش نسبی حرکت می کند. اما این آرامش نباید با حل مسئله اشتباه گرفته شود.

دولت باید از این فرصت برای اصلاحات ساختاری استفاده کند. اگر منابع جدیدی وارد اقتصاد شود، نباید صرف هزینه های جاری یا واردات کالاهای مصرفی شود. این منابع باید به سمت سرمایه گذاری های مولد هدایت شوند.

برای مثال، در حوزه انرژی، نوسازی نیروگاه ها می تواند راندمان تولید برق را به شدت افزایش دهد. در حوزه پتروشیمی و پالایشگاهی نیز ظرفیت های بزرگی برای افزایش صادرات وجود دارد. همچنین توسعه حمل و نقل ریلی و زیرساخت های لجستیکی می تواند هزینه های اقتصادی را کاهش دهد.

هدف نهایی باید افزایش صادرات غیرنفتی باشد. اگر صادرات غیرنفتی به سطحی پایدار برسد، اقتصاد ایران در برابر شوک های خارجی مقاوم تر خواهد شد.

ایکنا - برخی اقتصاد مقاومتی را صرفاً راهبردی برای دوران تحریم می دانند. از نظر شما اقتصاد مقاومتی در دوران گشایش و رفع محدودیت ها چه کارکردی دارد؟

اقتصاد مقاومتی فقط مربوط به دوران تحریم نیست. اتفاقاً در دوران گشایش اهمیت آن بیشتر می شود. زیرا در این دوره خطر اصلی این است که منابع جدید به جای سرمایه گذاری مولد، صرف مصرف یا واردات کالاهای غیرضروری شود.

اقتصاد مقاومتی یعنی استفاده هوشمندانه از منابع برای تقویت بنیان های تولید. اگر منابع جدید وارد شود، باید در مسیر زیر قرار گیرد:

توسعه زیرساخت ها
افزایش بهره وری
ارتقای فناوری
توسعه صادرات
تقویت تولید داخلی

برای مثال، توسعه شبکه حمل و نقل ریلی سریع السیر می تواند تحول بزرگی ایجاد کند. یا در حوزه انرژی، نوسازی نیروگاه ها می تواند هم مصرف داخلی را کاهش دهد و هم ظرفیت صادرات ایجاد کند.

در نهایت، هدف باید تبدیل اقتصاد ایران به یک اقتصاد پایدار، تولیدمحور و غیرواکنشی باشد؛ اقتصادی که حتی در صورت تغییر شرایط سیاسی، مسیر رشد خود را حفظ کند.
ایکنا